

Parenting styles and adolescents' self-esteem: Mediatory role of satisfying basic psychological needs

Sepehrian-Azar F. PhD¹, Amani-Saribaglou J. MSc[✉], Mahmoudi H. MSc¹

¹*Department of Educational Sciences, Faculty of Literature and Humanistic Sciences, Urmia University, Urmia, Iran*

[✉]*Department of Educational Sciences, Faculty of Education and Psychology, Tabriz University, Tabriz, Iran*

Submitted: 2012.6.19 Accepted: 2013.6.10

Abstract

Introduction: Using Path analysis, the present study was an attempt to investigate the relationship between parenting styles and adolescents' self-esteem with regard to the mediatory effects of basic psychological needs satisfaction

Method: 238 first grade high school male students in Urmia city took part in this study by answering the following questionnaires: parenting styles, basic psychological needs, and self-esteem.

Results: Findings showed that basic psychological needs satisfaction had a mediatory role in the relationship between parenting styles and self-esteem: permissive and authoritative parenting style exerted an indirect positive influence on male students' self-esteem through basic psychological needs satisfaction. In addition, authoritarian parenting style had an indirect negative influence on self-esteem through basic psychological needs satisfaction.

Conclusion: Basic psychological needs satisfaction can mediate the relationship between parenting styles and self-esteem.

Key words: Parenting Styles, Basic Psychological Needs Satisfaction, Self Determination, Self-Esteem

عزت نفس نوجوانان و سبک‌های فرزندپروری: نقش واسطه‌ای برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی

فیروزه سپهریان آذر^۱، جواد امانی ساری بگلو^۲، حجت محمودی^۱

^۱ گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

^۲ گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۳۰

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر، با استفاده از روش تحلیل مسیر در پی واری رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و عزت نفس نوجوانان با توجه به نقش واسطه‌ای برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی است.

روش: ۲۳۸ دانش‌آموز پسر سال اول دوره متوسطه شهر ارومیه به پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری، نیازهای روانشناختی اساسی و عزت نفس پاسخ دادند.

یافته‌ها: نتایج به طور کلی نشان دادند که برآورده شدن نیازهای روانشناختی نقش واسطه‌ای را در رابطه میان سبک‌های فرزندپروری و عزت نفس دارند: سبک فرزندپروری آسانگیر و مقتدرانه از طریق برآورده شدن نیازهای روانشناختی اثر غیرمستقیم و مثبت بر عزت نفس دانش‌آموزان پسر داشتند. سبک تربیتی مستبدانه نیز از طریق برآورده شدن نیازهای روانشناختی اثر غیرمستقیم و منفی بر عزت نفس دارد.

نتیجه‌گیری: برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی می‌تواند در ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری با عزت نفس نوجوانان میانجی‌گری کند.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های فرزندپروری، نیازهای اساسی، خودتعیین‌گری، عزت نفس

مقدمه

عزت نفس بالا و خودکنترلی بالا باشند و همین امر باعث می‌شود که در دوره نوجوانی، از سطح بالای جرات و موفقیت برخوردار باشند. خانواده‌ها با شیوه فرزندپروری مستبدانه احتمالاً فرزندان مضطرب، ناشاد و ناسازگار تربیت می‌کنند. شیوه فرزندپروری آسان‌گیر باعث می‌شود فرزند تکانشی، نافرمان، سرکش و متوقع و وابسته بار بیاید و عملکرد ضعیفی در مدرسه از خود نشان دهد [۷]. با مریند روی نقشی که اقتدار یا کنترل والدین در ایجاد شایستگی سازنده در کودکان دارد، تمرکز داشت. با مریند [۸] و [۹] شایستگی سازنده را به عنوان مسئولیت‌پذیری اجتماعی، استقلال، گرایش به پیشرفت و سرزنده بودن تعریف نمود. با مریند در طی مطالعات خود دریافت سبک مقتدرانه در شکل‌دهی شایستگی سازنده در کودکان پیش دبستانی بیش‌ترین اثربخشی را داشت. مطالعات وی نشان داد که کودکانی که با سبک‌های مستبدانه و آسان‌گیر بار می‌آمدند شایستگی سازنده کم‌تری داشتند [۱۰].

پژوهش‌های انجام شده درباره تاثیر سبک‌های فرزندپروری بر عزت نفس کودکان و نوجوانان، نتایج متفاوتی به بار آورده است. مثلاً پژوهش فورنهام و چنگ [۱۱] نشان داد که فقط سبک فرزندپروری مقتدرانه بر عزت نفس افراد تاثیر دارد. در جدیدترین پژوهش‌ها، دبیری و همکاران [۱۲] به این نتیجه رسیدند که سبک‌های فرزندپروری تاثیر معناداری بر عزت نفس افراد ندارد. یک تبیین ممکن برای این عدم تاثیر، وجود متغیرهای میانجی برای ایجاد ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و عزت نفس افراد می‌باشد. یکی از مهمترین این متغیرهای میانجی، نیازهای روانشناختی اساسی می‌باشند که در قالب نظریه خود تعیین‌گری مطرح شده‌اند.

ریان و دسی در نظریه «خودتعیین‌گری» انسان را موجودی فعال، دارای نیازهای روانشناختی ویژه، انگیزه‌های درونی برای رفع نیازهای خود و گرایش ذاتی برای تسلط بر محیط پیرامون خود می‌دانند که بهزیستی او در گروه ارضای سه نیاز ذاتی، بنیادی و جهان شمول خودمختاری (انتخاب آزادانه اعمال)، شایستگی (تسلط بر اعمال) و احساس تعلق (برقراری رابطه با افراد مهم و برخورداری از حمایت آنان) است [۳]. مطابق با نظریه خود-تعیین‌گری، فرصت‌ها برای تجربه خودمختاری، برای بهزیستی ضروری است. برای مثال، ورونایو، کوستر و آبل [۱۳] شایستگی، ارتباط و خودمختاری در میان کودکان کلاس سوم و هفتم را بررسی کردند. نتایج نشان داد شایستگی، ارتباط و خودمختاری به صورت همزمان با سطوح بهزیستی رابطه دارند. چیرکو و همکاران [۱۴] در یک مطالعه بین فرهنگی با دانش‌آموزان از ملل مختلف صرف نظر از فرهنگ یا جنسیت رابطه مثبتی بین خودمختاری با بهزیستی به دست آوردند. دسی، شوآرتز و شینمن و ریان [۱۵] گزارش کردند در دو ماه اول مدرسه کودکان در کلاس‌های حمایت‌کننده از خودمختار نسبت به کودکان در کلاس‌های کنترل‌کننده عزت نفس‌شان افزایش

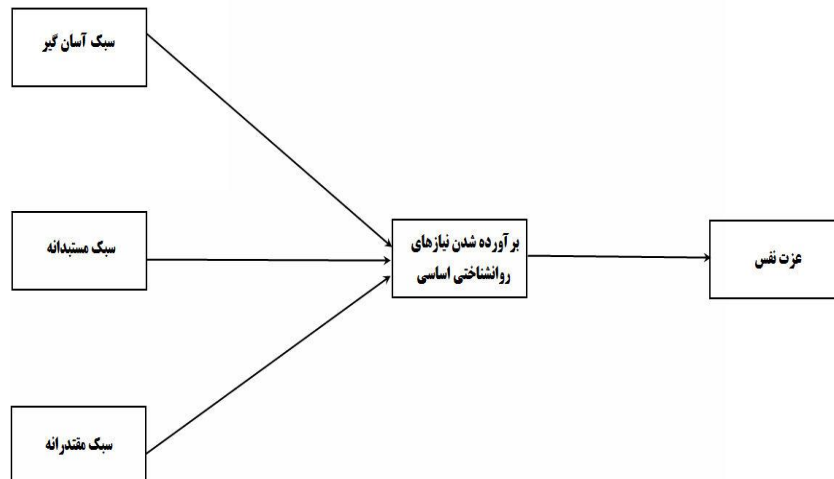
سنین نوجوانی همراه با تغییرات سریع الگوهای رفتاری است. این تغییرات نوجوان را در معرض گسترش رفتارهای پر خطر بهداشتی از قبیل عدم تحرک، عادات تغذیه‌ای نامناسب، مصرف سیگار و مواد مخدر قرار می‌دهد که تاثیر آن‌ها تا سال‌ها بعد حتی تا آخر عمر، باقی می‌ماند و بهزیستی روانی آن‌ها را تهدید می‌کند. متخصصان برای مقابله با این رفتارها، افزایش عزت نفس و در نتیجه ایجاد تصویر ذهنی مثبت را پیشنهاد می‌کنند [۱].

عزت نفس عبارت از احساس کفایت شخصی برای مواجه با چالش‌های بنیادی زندگی و سزاوار بودن برای شادکامی است و در رفتارهایی مانند جرات‌ورزی، قاطعیت و مودب بودن نسبت به دیگران بروز می‌کند که جزئی از خودپنداره فرد محسوب شده و شامل جنبه‌های شناختی، رفتاری و عاطفی است. به عبارت دقیق تر عزت نفس عبارت است از میزان ارزشی که افراد برای خویشتن قایل‌اند [۲]. عزت نفس زاینده زندگی اجتماعی و ارزش‌های آن است و در تمامی فعالیت‌های روزانه انسان به نوعی جلوه‌گر بوده و به این شکل از مهم‌ترین جنبه‌های شخصیت و تعیین‌کننده ویژگی‌های رفتاری انسان است. در مفهوم جدید سلامتی و بهزیستی روانی، عزت نفس بالا در فرد ایجاد حس اعتماد به خود می‌کند که این احساس وی را قادر به تطابق با موقعیت‌های سخت می‌نماید [۱].

پژوهش‌ها نشانگر آن هستند که یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر عزت نفس و رفتار کودک، رابطه والد-کودک است [۳] و روابط خانوادگی به طور کامل و روابط بین فرزندان به صورت خاص، اثر عمیق و پایداری در پی‌ریزی رفتارهای فردی کودک و برانگیختن آرامش درونی و عزت نفس و در نتیجه بر سلامت روانی کودک دارد [۴]. از این رو تاثیر والدین تنها در جنبه ارثی خلاصه نمی‌شود و انتخاب سبک فرزندپروری مناسب می‌تواند تاثیر مهمی در شکل‌گیری عزت نفس سالم داشته باشد [۵]. والدینی که نقاط قوت و ضعف کودکان‌شان را می‌پذیرند و معیارهای روشن و قابل پذیرشی برای آن‌ها در نظر می‌گیرند و برای رسیدن به این معیارها از آن‌ها حمایت می‌کنند، باعث رشد عزت نفس فرزندان‌شان به میزان زیادی می‌شوند.

با توجه به تاثیر شیوه‌های شیوه‌های فرزندپروری بر عزت نفس انسان، پژوهشگران شیوه‌های فرزندپروری را بر اساس دو بعد «پذیرندگی-پاسخ‌دهندگی» و «توقع داشتن-کنترل» طبقه‌بندی نموده‌اند [۵]. با توجه به این ابعاد با مریند [۶] سه نوع الگوی رفتاری والدین را ارائه نمود، الف) الگوی رفتاری مقتدرانه، ب) الگوی رفتاری مستبدانه و ج) الگوی رفتاری آسان‌گیر. والدین دارای الگوی رفتاری مقتدرانه در امر تربیت فرزند خود کنترل و گرمی زیاد، والدین مستبد کنترل زیاد و گرمی کم، والدین آسان‌گیر کنترل کم و گرمی زیاد اعمال می‌نمایند. هر کدام از شیوه‌های فرزندپروری پیامدهای متفاوتی دارد. شیوه فرزندپروری مقتدرانه و اطمینان بخش باعث می‌شود فرزندان سرزنده، شاداب، دارای

عزت نفس در نوجوانان می‌شوند. از طرف دیگر سبک‌های فرزندپروری نیز می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیر گزار بر برآورده شدن این نیازها مطرح شود، زیرا شایستگی سازنده در سبک‌های فرزندپروری با مفاهیمی از قبیل استقلال، گرایش به پیشرفت و همچنین میزان ارتباط گرم با دیگران ارتباط دارد که این مفاهیم نیز در بطن نظریه خود تعیین‌گری قرار دارند [۱۹]. بنابراین فرض می‌شود که سبک فرزندپروری مقتدرانه اثر مثبت بر ارضاء نیازهای روانشناختی اساسی و سبک مستبدانه و آسان‌گیر اثر منفی بر ارضاء این نیازها دارند. همچنین با توجه به اینکه نیازهای روانشناختی در محیط‌های با کنترل کم و حامی خودمختاری به خوبی برآورده می‌شوند، کنترل‌کنندگی زیاد در سبک مستبدانه با برآورده شدن نیازهای روانشناختی می‌تواند رابطه منفی داشته باشد و کنترل‌کنندگی منطقی در سبک مقتدرانه می‌تواند با برآورده شدن نیازهای روانشناختی رابطه مثبت داشته باشد [۲۰].



شکل ۱. الگوی مسیر اولیه پژوهش

حاضر بررسی عزت نفس در نوجوانان می‌باشد، جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی دانش‌آموزان پسر سال اول دوره متوسطه شهر ارومیه تشکیل می‌دهند. بدین دلیل دانش‌آموزان سال اول به عنوان جامعه انتخاب شدند که با توجه به ورود همزمان این دانش‌آموزان از مقطع تحصیلی پایین‌تر به مقطع تحصیلی بالاتر یعنی دبیرستان تأثیرات عزت نفس بیش‌تر خود را نشان می‌دهد [۱]. با استفاده از روش نمونه‌گیری مرحله‌ای خوشه‌ای ۲۳۸ نفر از این دانش‌آموزان به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری متغیرها نیز از سه پرسشنامه استفاده شد که در ادامه آمده است. **سبک‌های فرزند پروری:** برای اندازه‌گیری این متغیر از پرسشنامه اقتدار والدین (PAQ) [۲۱] استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه می‌باشد که سه سبک مقتدر منطقی، مستبدانه و آسان‌گیر را اندازه می‌گیرد و بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از «۱» کاملاً مخالفم تا «۵» کاملاً موافقم تنظیم شده است. بوری [۲۱] آلفای کرونباخ این مقیاس را به برای سبک مقتدر منطقی

یافت. دسی، نیرلک و شینمن [۱۶] همبستگی مثبت معناداری بین حمایت از خودمختاری معلمان و شایستگی ادراک شده و عزت نفس کودکان به دست آوردند. دسی و همکاران [۱۵] گزارش معلمان مدارس ابتدایی را از جهت‌گیری‌شان به سوی حمایت از خودمختاری دانش‌آموزان در برابر کنترل رفتارشان ارزیابی کردند. نتایج نشان داد کودکانی که از خودمختاری آن‌ها توسط معلمان حمایت می‌شود انگیزش درونی، شایستگی ادراک شده و عزت نفس بالاتری را نسبت به دانش‌آموزانی که رفتار آن‌ها کنترل می‌شود گزارش کرده‌اند [۱۷] در مطالعه‌ی دسی و همکاران [۱۸] به این نتیجه رسیدند که نیازهای روانشناختی اساسی اثر مستقیم مثبتی بر عزت نفس افراد و اثر منفی بر اضطراب آنان داشت. در مجموع این مطالعات نشان می‌دهند که برآورده شدن نیازها برای انگیزش و بهزیستی مهم هستند. بنابراین فرض می‌شود که برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی یعنی خودمختاری، شایستگی و ارتباط، باعث افزایش

بر اساس آنچه گفته شد، پژوهش حاضر در پی آن است که با استفاده از روش تحلیل مسیر به بررسی نقش واسطه‌های روانشناختی اساسی در ارتباط بین سبک‌های فرزندپروری و عزت نفس نوجوانان بپردازد. مطابق با شکل ۱ فرض می‌شود برآورده شدن نیازهای روانی (خودمختاری، شایستگی و ارتباط) واسطه‌گر سبک‌های فرزندپروری (مقتدرانه، مستبدانه و آسان‌گیر) و عزت نفس نوجوانان است.

روش

روش اجرای پژوهش حاضر توصیفی و طرح پژوهشی همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. زیرا در این پژوهش روابط بین متغیرها در قالب الگوی علی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین برای بررسی نقش واسطه‌ای برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی از اثرات غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری بر عزت نفس از طریق این نیازها استفاده شد. با توجه به اینکه هدف پژوهش

ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۱ و ۰/۷۲ به دست آمد. آلفای کل مقیاس نیز ۰/۸۵ به دست آمد.

عزت نفس: برای سنجش این متغیر از مقیاس عزت نفس روزنبرگ که توسط رجیبی و بهلول [۲۵] برای جامعه ایرانی هنجاریابی شده است استفاده شد. این پرسشنامه از ۱۰ گویه تشکیل شده است که بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای تنظیم شده‌اند. در پژوهش رجیبی و بهلول [۲۵] ضریب آلفای کرونباخ برای این ابزار ۰/۸۴ به دست آمد. در مطالعه حاضر نیز ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به دست آمد.

یافته‌ها

در جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرها جهت بررسی پراکندگی مناسب و نرمال بودن توزیع داده‌ها ارائه شده‌اند. با توجه به این جدول، مقادیر آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد نشانگر پراکندگی مناسب داده‌ها و مقادیر چولگی و کشیدگی نشانگر نرمال بودن توزیع داده‌ها می‌باشند.

۰/۸۵، سبک مستبدانه ۰/۸۷ و آسان‌گیر ۰/۷۴ گزارش نموده است. *اثرهای و همکاران* [۲۲] در جدیدترین پژوهش آلفای این مقیاس را برای سبک مقتدرانه، مستبدانه و آسان‌گیر به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۹۵ و ۰/۸۴ گزارش نموده‌اند. در این پژوهش نیز ضریب همسانی درونی این مقیاس با آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۳ و ۰/۷۰ به دست آمد.

نیازهای روانی اساسی: برای اندازه‌گیری این متغیر از مقیاس نیازهای روانشناختی اساسی *لاگوردیا و همکاران* [۲۳] استفاده شد. این مقیاس از ۲۱ گویه تشکیل شده است که سه نیاز روانشناختی خودمختاری، شایستگی و ارتباط را می‌سنجند. گویه‌های بر اساس لیکرت پنج درجه‌ای از کاملاً غلط «۱» تا کاملاً درست «۵» تنظیم شده‌اند. ضریب آلفای این پرسشنامه در پژوهش *دسی و همکاران* [۱۸] ۰/۸۳ برای کل مقیاس به دست آمد. در جدیدترین پژوهش نیز *اثرهای و همکاران* [۲۴] آلفای این مقیاس را برای خودمختاری ۰/۶۶، شایستگی ۰/۷۴ و ارتباط ۰/۶۸ به دست آورده‌اند. در مطالعه حاضر نیز ضریب همسانی درونی این مقیاس برای خودمختاری، شایستگی و ارتباط به

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
عزت نفس	۲۴/۱۵	۴/۲۷	-۰/۸۱	۰/۶۸
نیاز به خودمختاری	۲۳/۹۰	۵/۰۸	-۰/۳۸	-۰/۳۱
نیاز به شایستگی	۲۲/۳۱	۴/۰۴	-۰/۴۲	۰/۱۵
نیاز به ارتباط	۳۰/۷۸	۴/۷۴	-۰/۷۰	۰/۴۶
نیازهای روانشناختی کل	۷۶/۹۹	۱۱/۵۲	-۰/۶۰	۰/۵۳
سبک مقتدرانه	۳۶/۰۵	۵/۸۳	-۰/۳۱	۰/۴۳
سبک مستبدانه	۳۳/۳۱	۶/۴۷	-۰/۲۵	-۰/۳۷
سبک آسان‌گیر	۱۳/۳۳	۵/۹۱	-۰/۰۳	۰/۲۲

نیازهای روانشناختی اساسی (۰/۲۲-) منفی و در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. همچنین رابطه نیازهای روانشناختی با عزت نفس (۰/۴۱) مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد.

در جدول ۲ نیز ماتریس همبستگی متغیرها ارائه شده که با توجه به این جدول رابطه سبک مقتدرانه (۰/۲۸) و آسان‌گیر (۰/۲۵) با نیازهای روانشناختی اساسی مثبت و در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. رابطه سبک مستبدانه با

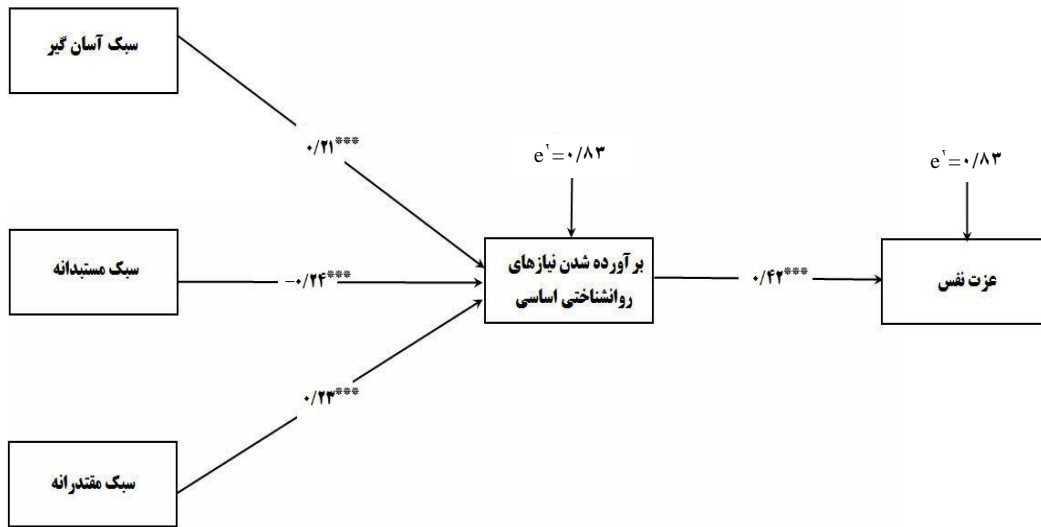
جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

شماره	متغیر	۱	۲	۳	۴
۱	سبک مقتدرانه	۱			
۲	سبک مستبدانه	۰/۰۳	۱		
۳	سبک آسان‌گیر	۰/۲۶**	۰/۰۸	۱	
۴	نیازهای روانشناختی اساسی	۰/۲۸**	-۰/۲۲**	۰/۲۵**	۱
۵	عزت نفس	۰/۲۴**	-۰/۰۴	۰/۲۳**	۰/۴۱**

**p<۰/۰۱

نسخه ۸/۵۴ برای تجزیه تحلیل داده‌ها استفاده شد. در شکل ۲ الگوی آزمون شده پژوهش حاضر ارائه شده است.

از روش بیشینه احتمال برای آزمون الگوی نظری پژوهش و برآزش آن با داده‌های گردآوری شده استفاده شد. لازم به ذکر است که از نرم افزار لیزرل



شکل ۲. الگوی آزمون شده پژوهش

که ۸۳ درصد از تغییرات این دو متغیر را عواملی خارج از مدل تبیین می‌کنند و ۱۷ درصد از تغییرات عزت نفس را برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی و ۱۷ درصد از تغییرات برآورده شدن نیازهای روانشناختی را سبک‌های فرزندپروری تبیین می‌کنند. در جدول ۳ اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و میزان واریانس تبیین شده متغیرها ارائه شده‌اند.

با توجه به شکل ۲ اثر مستقیم سبک آسان‌گیر (۰/۲۱)، مقتدرانه (۰/۲۳) و مستبدانه (۰/۲۴-) بر برآورده شدن نیازهای روانی در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد. اثر برآورده شدن نیازهای روانشناختی نیز بر عزت نفس (۰/۴۲) در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد. کمیت خطای متغیرهای برآورده شدن نیازهای روانشناختی و عزت نفس ۰/۸۳ می‌باشد. این عدد نشانگر آن است

جدول ۳. اثرات مستقیم، غیرمستقیم، کل و میزان واریانس تبیین شده متغیرها

منبع اثر	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	اثرات کل	واریانس تبیین شده
اثرات وارده شده بر عزت نفس از متغیرهای:				
برآورده شدن نیازهای روانشناختی	۰/۴۲***	-	۰/۴۲***	
سبک مقتدرانه	-	۰/۱۰**	۰/۱۰**	
سبک مستبدانه	-	-۰/۱۰**	-۰/۱۰**	
سبک آسان‌گیر	-	۰/۰۹**	۰/۰۹**	
اثرات وارده شده بر برآورده شدن نیازهای روانشناختی از متغیرهای:				
سبک مقتدرانه	۰/۲۳**	-	۰/۲۳**	
سبک مستبدانه	-۰/۲۳**	-	-۰/۲۳**	
سبک آسان‌گیر	۰/۲۱**	-	۰/۲۱**	

p<۰/۰۱, *p<۰/۰۰۱

با داده‌های گردآوری شده دارد. این شاخص‌ها عبارتند از شاخص نیکویی برازش (GFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) که مقادیر بیش‌تر از ۰/۹ نشانگر برازش مناسب الگوی هستند، شاخص نیکویی برازش تعدیل یافته (AGFI) که مقادیر بیش‌تر از ۰/۸ قابل قبول هستند، و مجذور میانگین مربعات خطای تقریب (RMSEA) که مقادیر کم‌تر از ۰/۰۸ نشانگر برازش مناسب الگوی هستند.

جدول ۴. شاخص‌های برازش الگوی آزمون شده پژوهش

RMSEA	AGFI	CFI	GFI
۰/۰۵	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۸

با توجه به جدول ۳، اثر غیر مستقیم سبک مستبدانه (۰/۱۰-)، مقتدرانه (۰/۱۰) و سبک آسان‌گیر (۰/۰۹) بر عزت نفس در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. با توجه به اینکه این اثرات از طریق برآورده شدن نیازهای روانشناختی بر متغیر عزت نفس وارد می‌شود، بنابراین نقش واسطه‌ای این متغیر در ارتباط سبک‌های فرزندپروری با عزت نفس تایید می‌شود. در جدول ۴ شاخص‌های برازش الگوی آزمون شده گزارش شده‌اند که با توجه به شاخص‌هایی که گیفن و همکاران [۲۶] مطرح نموده‌اند، الگوی آزمون شده برازش مناسبی

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای برآورده شدن نیازهای روانشناختی در ارتباط سبک‌های فرزندپروری با عزت نفس نوجوانان است. نتایج تحلیل مسیر نشان داد که الگوی پیشنهادی با داده‌های گردآوری شده برازش مناسبی دارد و می‌تواند ۱۷ درصد از تغییرات برآوردن نیازهای روانشناختی و ۱۷ درصد از تغییرات عزت نفس نوجوانان پسر را تبیین کند. همچنین نتایج نشان داد که برآورده شدن نیازهای روانشناختی نقش میانجی در ارتباط سبک‌های فرزندپروری و عزت نفس این نوجوانان ایفا می‌کند.

نتایج تحقیق حاضر نشان دادند که سبک فرزندپروری آسان‌گیر از طریق برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی بر عزت نفس نوجوانان پسر اثر غیر مستقیم و مثبت دارد، در واقع هر چه میزان کنترل‌کنندگی در محیط خانواده کم‌تر باشد و فرزندان آزادی عمل بیشتری در اعمال خود احساس کنند، این امر اثر مثبتی بر برآورده شدن نیازهای روانشناختی آنان خصوصاً نیاز به خودمختاری می‌گذارد. از طرف دیگر میزان زیاد گرمی و صمیمیت در اینگونه خانواده‌ها باعث می‌شود، نوجوانان روابط صمیمانه و نزدیک با پدر و مادر خود ایجاد کنند و این امر بر برآورده شدن نیاز آنها به ارتباط اثر مثبتی می‌گذارد. این یافته با اساس نظریه خود تعیین‌گری سازگار است که هر چه قدر محیطی از خودمختاری افراد حمایت کند، آنها بیش‌تر برآورده شدن نیازهای روانشناختی خود را تجربه می‌کنند [۱۹] و می‌توان گفت سبک تربیتی آسان‌گیر می‌تواند این محیط را فراهم می‌آورد.

یافته‌های تحقیق نشان دادند که سبک فرزندپروری مستبدانه از طریق برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی بر عزت نفس نوجوانان پسر اثر غیر مستقیم و منفی دارد. در واقع هر چه قدر میزان کنترل در محیط خانواده زیاد باشد و فرزندان در رفتار خود در محیط خانه احساس آزادی و خودمختاری نکنند، برآورده شدن مناسب نیازهای روانشناختی اساسی خود را تجربه نخواهند کرد. خصوصاً نیاز به خودمختاری که بیش‌تر تحت تاثیر میزان کنترل یا حمایت از خودمختاری محیط قرار دارد. از طرف دیگر کم بودن گرمی در خانواده‌ها با سبک مستبدانه، اثر منفی بر برآورده شدن نیازهای روانشناختی خصوصاً نیاز به ارتباط دارد. همچنین نبود آزادی عمل در این خانواده‌ها می‌تواند اثر منفی بر احساس شایستگی نوجوانان داشته باشد. این یافته با اساس نظری نظریه خود تعیین‌گری سازگار است که بیان می‌دارد هر چه قدر محیط کمتر از خودمختاری افراد حمایت کند، آنها کمتر احساس خودمختاری، شایستگی و داشتن ارتباط صمیمانه با دیگران خواهند کرد [۲۰].

همچنین یافته‌های پژوهش نشان دادند که سبک فرزندپروری مقتدرانه از طریق برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی بر

عزت نفس نوجوانان پسر اثر غیرمستقیم مثبت دارد. خانواده‌های با سبک فرزند پروری مقتدرانه دارای تمامی ویژگی‌های محیط حامی خودمختاری هستند که مهم‌ترین عامل برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی است. در این گونه محیط‌ها برای اعمال کنترل دلایل منطقی وجود دارد که این امر باعث می‌شود، فرزندان هنجارهای خانواده را از روی میل درونی سازی کنند [۲۰]. سبک مقتدرانه نیز دارای این ویژگی کنترل توأم با ارائه دلیل می‌باشد که باعث برآورده شدن نیازهای روانشناختی اساسی این نوجوانان می‌شود. برآورده شدن نیازهای روانشناختی از طریق سبک‌های فرزندپروری مناسب باعث می‌شود، نوجوانان در خانواده احساس شایستگی، آزادی عمل و ارتباط صمیمانه کنند، این امر باعث افزایش عزت نفس در آنان می‌شود. ارتقاء خودمختاری یعنی افزایش احساس انتخاب، خود آگاهی بیشتر رفتارها، و مسئولیت شخصی بیشتر، یکی از اهداف رشدی مهم است. همچنین افزایش خودمختاری راهی برای کسب نتایجی از قبیل خلاقیت، انعطاف پذیری شناختی و عزت نفس است [۲۷]. وقتی افراد خودشان را در محیط‌هایی می‌یابند که به برآورده شدن نیازهای روانشناختی آنها کمک می‌کنند و آنها را پرورش می‌دهند، هیجان‌های مثبت، تجربه بهینه و رشد سالم، پیامدهای آن است [۱۸]. یافته تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های دسی، سوارتر و شینمن و ریان [۱۵]، دسی و همکاران [۱۸]، چیرکوف و همکاران [۱۴] و ورونایو، کوستنر و آبلای [۱۳] همسو است.

نتیجه‌گیری

در فرهنگ‌های جمع‌گرا که خود جمعی بر خود فردی غلبه دارد، معمولاً شیوه‌های تربیتی، بر روش‌های تنبیهی بنا شده و از پذیرش حمایت و خودمختاری فرزندان، خبری نیست [۲۸]. در این فرهنگ‌ها، والدین بیش‌تر بر اعمال قدرت و انضباط اجباری تاکید دارند و با فرزندان خود کمتر گرم و با محبت رفتار می‌کنند، بنابراین نوجوانان در این گونه خانواده‌ها به خود متکی اما تاحدی کناره‌گیرند. عده‌ای دیگر، فرزندان خود را کنترل نمی‌کنند، در امور خانه نظم و ترتیبی ندارند، در تنبیه و پاداش آنان چندان جدی نیستند، از آنها انتظار رفتار عاقلانه ندارند و به آنها آموزش استقلال و اتکا به خود نمی‌دهند [۲۹]. در این فرهنگ‌ها، نوجوانانی که از معلم یا مدیر خود انتقاد می‌کنند، در مدرسه تنبیه می‌شوند و بزرگسالان دیگر، او را سرزنش می‌کنند [۳۰] و ممکن است برونداد فرایند اجتماعی شدن فوق، شهروندی باشد که عزت نفس پایین دارد و به طور کلی از لحاظ پایین بودن سلامت روان شناختی، رنج ببرد [۳۱]. براساس پژوهش‌های انجام گرفته، کشور ایران نیز دارای فرهنگ جمع‌گرا می‌باشد [۳۲]. با توجه به این مسائل و اثر گذاری سبک‌های فرزند پروری بر برآورده شدن نیازهای روانشناختی و تاثیر غیر مستقیم بر عزت نفس نوجوانان پسر، لازم است در این باره تدابیری اندیشیده شود. یکی از این

و یافته‌های پژوهش فقط به این جنس قابل تعمیم می‌باشد. بنابراین توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی این تحقیقات با نمونه دانش‌آموزان دختر نیز تکرار شوند، همچنین توصیه می‌شود جهت بررسی تعمیم پذیری آن به سنین دیگر، این تحقیقات با نمونه دانشجوی نیز صورت پذیرند.

تشکر و قدردانی: بر خود لازم می‌دانیم از زحمات معلمان دوره متوسطه ناحیه یک آموزش و پرورش شهرستان ارومیه به خاطر نظارت بر حسن اجرای تحقیق و همچنین از دانش‌آموزان سال اول دبیرستان‌های ناحیه یک این شهرستان به خاطر مشارکت در انجام این تحقیق و پاسخ‌های صادقانه تشکر و قدردانی نموده و برای آنان آرزوی پیشرفت روزافزون نماییم.

منابع

1. Saheb-Zamani M, Feshraki M, Abdollahi-Mofrad Z. The relationship between life style with theran adolescent student's self-esteem. *Azad Uni Medic Sci J*. 2008; 20(1):45-51. [Persian]
2. Farahati M, Fathi-ashtiani A, Moradi A. Relationship between family communication patterns and locus of control and self-esteem in adolescents. *J Behav Sci*. 2011; 5(3):279-85. [Persian]
3. Tanhaye-Rashavanlou F, Hejazi E. Maternal and paternal involvement, autonomy support and warmth: predictors of adolescence self-esteem. *J Behav Sci*. 2012; 5(4):343-50. [Persian]
4. Danesh E, Rezaabakhsh H, Bahmani Z, Saliminia N. The relationship between parenting styles with gender self esteem among female university students. *J Appl Psychol*. 2011; 3(19):39-55. [Persian]
5. Webster-Stratton C, Herman KC. The impact of parent behavior management training on child depressive symptoms. *J Couns Psychol*. 2008;55(4):73-84.
6. Baumrind D. The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *J Early Adolesc*. 1991; 11:56-95.
7. Bagherpour S, Bahrami E, Fathi-Ashtiani A, Ahmadi KH, Ahmadi A. The relationship between parenting styles with mental health and academic achievement. *J Behav Sci*. 2007; 1(1):33-40. [Persian]
8. Baumrind D. Development of instrumental competence though socialization. In: AD P, editor. *Minnesota Symposium on Child Psychology*. Minneapolis: University of Minnesota Press; 1973.
9. Baumrind D. Parental disciplinary patterns and social competence in children. *Youth Soc*. 1987; 9(3):239-76.
10. Mal-Ahmadi E. Causal model of relationship between perceived parenting styles, achievement goals, academic self-efficacy and achievement among students [Dissertation]: Tehran University; 2009. [Persian]
11. Furnham A, Cheng H. Perceived parental behavior, self-esteem, and happiness. *Soc Psychol Psychiatr Epidemiol*. 2000; 35:463-70. [Persian]
12. Dabiri S, Delavar A, Sarami G, Falsafi-Nejad M. Formulating relationships model of parenting styles, personality, self-Esteem and happiness: Path analysis model. *J Fam Res*. 2012; 8(2):141-59. [Persian]
13. Veronneau M, Koestner RF, Abela JR. Intrinsic need satisfaction and well-being in children and adolescents: An application of the self-determination theory. *J Soc Clin Psychol*. 2005;24(2):280-92.
14. Chirkov V, Ryan RM, Kim Y, Kaplan U. Differentiating autonomy from individualism and independence: A self-determination theory perspective on internalization of cultural orientations and well-being. *J Pers Soc Psychol*. 2003; 84(1):97-110.
15. Deci E, Schwartz A, Sheinman L, Ryan R. An instrument to assess adults orientations toward control versus autonomy with children. *J Educ Psychol*. 1981; 73(5):642-50.
16. Deci EL, Nezlek J, Sheinman L. Characteristics of the rewarder and intrinsic motivation of the reward. *J Pers Soc Psychol*. 1981; 40(1):1-10.
17. Urdan T, Schoenfelder E. Classroom effects on student motivation: Goal structures, social relationship, and competence beliefs. *J School Psychol*. 2006; 44:331-49.
18. Deci EL, Ryan RM, Gagne M, Leone DR, Usunov J, Kornazheva BP. Need satisfaction, motivation, and well-being in the work organizations of a former eastern bloc country: A cross-cultural study of self-determination. *Soc Pers Soc Psychol*. 2001; 27(8):930-42.
19. Ryan RM, Deci EL. Self-determination theory and facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *Am Psychol*. 2000; 55(1):68-78.
20. Reeve J. *Motivation and Emotion*. Tehran: Virayesh Publication; 2007. [Persian]

21. Buri J. Parenting authority questionnaire. *J Pers Assess.* 1991; 57(1):110-9.
22. Ejei J, Gholamali-Lavasani M, Malahmadi E, Khezri H. The Relationship between parenting styles and academic achievement through the mediating influences of achievement goals and academic self-efficacy. *J Psychol.* 2011; 15:284-301. [Persian]
23. La Guardia J, Ryan R, Couchman C, Deci E. Within-person variation in security of attachment: A self-determination theory perspective on attachment, need fulfillment, and well-being. *J Pers Soc Psychol.* 2000; 79(3):367-84.
24. Ejei J, Khezri-Azar H, Babai M, Amani J. A structural model of the relationship between perceived teacher autonomy support, basic psychological needs, intrinsic motivation and effort. *Res Psychol Health.* 2009; 2(4):47-56. [Persian]
25. Rajabi G, Bohloul N. Reliability and validity assessment of Rosenberg self-esteem scale among students. *Psychol Educ Res.* 2007; 3(2):33-48. [Persian]
26. Gefen D, Straub D. Structural equation modeling and regression: Guidelines for research and practice. *Commun Assoc Inform Sys.* 2000; 3(1):1-79.
27. Deci E, Vallerand R, Pelletier L, Ryan R. Motivation and education: The self-determination perspective. *Educ Psychol.* 1991; 26(3-4):325-46.
28. Hofstede G. *Culture and organization: software of the mind.* New York: McGraw-Hill; 1997.
29. Karagözoğlu L, Kahve E, Adamişoğlu D. Self esteem and assertiveness of final year Turkish university students. *Nurse Educ Today.* 2008; 28(5):641-49.
30. Scott H, Shannon L, Caroline L. Life satisfaction in children and youth empirical foundation and implications for school Psychologist. *Psychol School.* 2004; 41(1):81-130.
31. Tavakoli S, Lumley M, Hijazi A. Effects of assertiveness training and expressive writing on acculturative stress in international students: A randomized trial. *J Couns Psychol.* 2009; 56(4):590-96. [Persian]
32. Amani saribagloo J, Gholamali lavasani M, Ejei J, Khezri azar H. The Relationship between Cultural Values and Individual Variables with Computer Use among Students. *J Behav Sci.* 2011; 5(1):1-10. [Persian]